

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

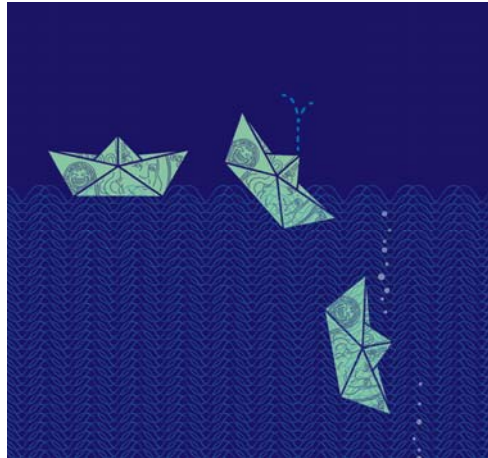
[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: پائولو نوگیرا باتیستا جونیر  
برگردان: م. قربانی  
۲۱ جون ۲۰۲۴

## بریکس و دشواری های دالرزدائی



مقاله‌ای که در شماره حاضر ژورنال ونهوا زونگینگ گردآوری شده است، به دنبال روشن کردن موضوعات مورد علاقه اقتصاد بین‌المللی است. این نشریه، در این شماره به ویژه به موضوع پرترفدار و مورد بحث گسترده دالرزدائی می‌پردازد. آیا به آن نیازی هست؟ آیا در عمل امکان‌پذیر است، و اگر چنین است، در چه بازه زمانی؟ کشورهای علاقه‌مند به دالرزدائی چگونه می‌توانند یا باید ادامه دهند؟ آیا بریکس به طور مشترک یا جداگانه می‌تواند به پیشبرد این امر کمک کند؟ آیا چین می‌تواند برای ارائه ارز خود، رنمینبی، به عنوان جایگزین دالر وارد عمل شود؟ همه یا بیشتر این پرسش‌ها در مقاله‌ای از استادان، گائو بای، یو یانگدینگ، و دینگ ئیفان، مورد بحث قرار گرفته است. من نیز در گذشته نه چندان دور سه بار سعی کردم در مورد دالرزدائی بنویسم. در این یادداشت مقدماتی، من به برخی از جنبه‌های بحث جاری بازخواهم گشت و سعی می‌کنم بیش از حد صحبت‌های خود را تکرار نکنم و در عین حال، به موضوعاتی که در سه مقاله‌ای که از سوی محققان چینی مطرح شده اند، بپردازم. همان‌طور که مشخص است، دالرزدائی از سال ۲۰۲۲ به یک موضوع داغ تبدیل شده است، هنگامی که ایالات متحده و اروپایی‌ها تصمیم گرفتند بخش بزرگی از ذخایر بین‌المللی روسیه را در پاسخ به حمله به اوکراین، همان‌طور که یو یانگدینگ توصیف کرده است، مسدود کنند. مقامات و کارشناسان غربی به طور سنتی در مورد لزوم اتخاذ سیاست‌های

«اعتمادسازی» و احترام به حقوق مالکیت به کشورهای در حال توسعه سخنرانی می‌کردند. حالا که فکرش را می‌کنم، این واقعاً شگفت‌انگیز است. مسدود کردن دارائی‌های روسیه و تهدید اخیر حرکت به سوی مصادره کامل، گام‌های اصلی برای «تخریب اعتماد» هستند که آسیب بزرگی به دلار آمریکا و یورو وارد می‌کنند.

این اقدامات زنگ خطری را برای کشورهایمانند چین، که دارندۀ اصلی اوراق قرضه‌ی دالری آمریکا به عنوان بخشی از ذخیره بین‌المللی این کشور هستند، به صدا درآورد. هر کشوری که با ایالات متحده و بقیه کشورهای غربی درگیری داشته باشد، بی‌درنگ متوجه می‌شود که اقداماتی برای کاهش وابستگی به دلار آمریکا و سیستم‌های مالی غرب، لازم است. تلاش‌هایی در بسیاری از نقاط جهان برای استفاده از ارزهای ملی در معاملات بین‌المللی برای ایجاد یا تقویت سیستم‌های پرداخت جایگزین، اتکای بیش‌تر بر **رئیمینی چین** و حتی ایجاد یک ارز مرجع جدید **بریکس** تشدید شد. آنچه ما مشاهده کردیم، ضربه بزرگی که از سوی آمریکا و اروپا وارد شد، انکارناپذیر است. سه استاد چینی در مقالات خود سهم قابل توجهی در بحث همه این دشواری‌ها داشته‌اند.

محبوبیت موضوع دلارزدائی در محافل گسترده‌تر و در رسانه‌ها معمولاً با درک پیچیدگی آن همراه نیست. انتظار وسیعی وجود دارد که بریکس در آینده نزدیک جایگزینی برای دلار آمریکا ایجاد می‌کند. اما آیا این انتظار واقعی است؟ احتمالاً نه.

پیچیدگی موضوع دو جنبه دارد - سیاسی و فنی. در بُعد سیاسی، می‌توان به دو مشکل اساسی اشاره کرد: (الف) مقاومت مشهور آمریکا برای تسلیم شدن به آنچه فرانسوی‌ها در سال‌های ۱۹۶۰ آن را «امتیاز زیاده‌خواهی» می‌نامیدند - انتشار پول ملی و مدیریت آن بر اساس منافع ملی آمریکا - به عنوان مهم‌ترین ارز جهانی؛ و (ب) مشکل گرد هم آوردن کشورهای بریکس در عمل در چنین تلاشی. اجازه بفرمائید تا به این دو مشکل بپردازم، تا حدی بر اساس تجربه عملی خود به عنوان مدیر صندوق بین‌المللی پول (IMF)، نماینده برزیل در فرآیند بریکس، و بعداً معاون رئیس بانک توسعه نوین (NDB).

هرگز نباید از این واقعیت غافل شد که ایالات متحده به احتمال زیاد از تمام ابزارهای گوناگونی که در اختیار دارد برای مبارزه با هرگونه تلاشی برای به زیر کشاندن دلار از جایگاهش به عنوان محور اصلی سیستم پولی بین‌المللی، استفاده خواهد کرد. آن‌ها همیشه، از زمان مذاکرات پولی و مالی که در پایان و بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم انجام شد، این کار را انجام داده‌اند. ایده‌های کینز برای یک ارز بین‌المللی قاطعانه از سوی مقامات ایالات متحده رد شد. بعدها ایالات متحده با استفاده از حق وتوی خود در **صندوق بین‌المللی پول**، اقداماتی را که می‌توانست منجر به تبدیل شدن **حقوق برداشت ویژه** این مؤسسه به یک ارز کامل در جایگاه بین‌المللی شود، مسدود کرد. حق برداشت ویژه تا به امروز یک نمایش جانبی است که تقریباً هیچ ارتباطی در خارج از صندوق بین‌المللی پول ندارد. ایالات متحده به بحث اولیه در مورد دلارزدائی در میان کشورهای بریکس با بی‌اعتمادی عمیق نگاه می‌کند و احتمالاً در هر مرحله مداخله می‌کند تا جلوی ابتکارات را بگیرد و بحث بین اعضای بریکس را ایجاد کند.

به عنوان مثال، می‌توان پرسید که آیا هند و افریقای جنوبی از فشارهای وارده از سوی ایالات متحده در این مورد مصون خواهند بود؟ کشور خودم، برزیل، در حال حاضر تحت رهبری رئیس‌جمهور لولا د سیلوا سیاست مستقلی را دنبال می‌کند، اما دولت آینده با سمت‌گیری متفاوت ممکن است تمایلی به نارضایتی ایالات متحده در مورد چنین موضوع مهمی نداشته باشد.

این ما را مستقیماً به بُعد دومی که در بالا به آن اشاره شد، می‌رساند. آیا بریکس به عنوان یک گروه برای مقابله با این مشکل پیچیده به اندازه کافی منسجم است؟ با تکیه بر تجربه عملی خود از فرآیند بریکس، هشدار می‌دهم که در پاسخ به

این سؤال خوش‌بین نباشید. حتی زمانی که تنها پنج کشور دور میز بودند، دشواری دستیابی به توافق بر سر گام‌های مشخص، به ویژه در ایجاد و اجرای صندوق مالی بریکس (تنظیم ذخیره احتمالی) و بانک توسعه نوین، واقعاً سرگیجه آور بود. نخست، به دلیل تفاوت چشم‌انداز و منافع ملی بین پنج کشور. دوم، متأسفانه به دلیل فقدان استعداد و صلاحیت فنی بسیاری از مقامات نماینده پنج کشور در این مذاکرات و سازوکارهای مالی ناشی از آن. این حرف تندی است، من کاملاً متوجه هستم، اما اگر در مقابله با موضوع دلهره‌آور دالرزدائی و جایگزینی برای پول ایالات متحده جدی باشیم، باید واقع‌بین بوده، و حداقل سطح انتقاد از خود را داشته باشیم.

اکنون که توسعه بریکس در سال ۲۰۲۴ آغاز شده است، مشکلات هماهنگی و آسیب پذیری‌های سیاسی را حتی تشدید خواهد کرد. با ۹ یا ۱۰ کشور عضو، (بسته به این‌که عربستان سعودی پذیرش عضویت را بپذیرد)، می‌توان پیش‌بینی کرد که مشکل بزرگتری برای پیشرفت بیشتر در هر موضوع عملی وجود خواهد داشت. ناظران خارجی متخصص و حتی دانشگاهیان کاملاً مستعد اغلب از این مشکلات بی‌خبرند. برخی از آن‌ها تولید ناخالص ملی و جمعیت بریکس یا بریکس پلاس را جمع می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که این گروه به یک گروه بزرگ در جهان تبدیل شده است. برخی از کشورها، که من معتقدم چین و روسیه از جمله آن‌ها هستند، می‌خواهند حتی گروه را بیش‌تر گسترش دهند. در لفاظی‌های ژورنالیستی، بریکس بسط یافته ظاهراً قرار است به مجمعی برای جنوب جهانی تبدیل شود. این ممکن است خوش‌آیند به نظر برسد، اما می‌توان پرسید: آیا افزایش سریع و زیاد تعداد اعضای گروه در نهایت منجر به تبدیل شدن بریکس پلاس به چیزی شبیه «سازمان ملل جنوب جهانی» نمی‌شود، که شاید به اندازه خود سازمان ملل متحد مؤثر باشد؟ با این حال، اجازه دهید خیلی منفی‌نگر نباشیم. واقعیت این است که گروه بریکس شامل کشورهای مهمی است. چهار عضو اصلی - برزیل، روسیه، هند، و چین - از غول‌های جهان هستند. چین در حال حاضر بزرگترین اقتصاد از نظر تولید ناخالص داخلی در برابری قدرت خرید است و با اختلاف قابل توجهی از امریکا پیشی گرفته است. کشورهای بریکس نارضایتی دیرینه‌ای نسبت به ساختار پولی و مالی موجود بین‌المللی دارند. دلایل این نارضایتی‌ها در دهه‌های ابتدایی قرن بیست‌ویکم تنها افزایش یافته است. بی‌ثباتی‌های مالی، اقتصادی و سیاسی به طور چشمگیری افزایش یافته است، اما غرب هیچ نشانه‌ای از انطباق و امتیازات لازم برای سازگاری با کشورهای بریکس و سایر کشورهای بازار نوپدید از خود نشان نمی‌دهد. ناکارآمدی سیستم پولی بین‌المللی مبتنی بر دلار، که به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد، به طور فزاینده‌ای آشکار می‌شود.

بنابراین، ما وظیفه داریم برای مقابله با این دشواری‌ها تلاش کنیم. اگر ما نتوانیم به عنوان یک گروه این کار را انجام دهیم، شاید چین این کار را به عهده بگیرد تا دالرزدائی را انجام دهد. علی‌رغم تأکید گائو بای، اصلاً مشخص نیست که آیا چین واقعاً به جایگزینی دلار امریکا با واحد پول خود علاقه مند است یا خیر. برای اقتصادی که هنوز از نظر مالی و جنبه‌های دیگر به بلوغ کامل نرسیده است، این «امتیاز پرشور» ممکن است به «باری گران» تبدیل شود. پروفیسور گائو سؤالات مرتبط را مطرح کرده است. آیا چین آماده و علاقه مند به جایگزین کردن رنمینبی به یک ارز قابل تبدیل است؟ این احتمالاً یک الزام برای جایگزینی دلار امریکا به میزان قابل توجهی است. آیا چین آماده پذیرش گرانی ناشی از تقاضای بین‌المللی برای پول خود است؟ افزایش ارزش رنمینبی چه تأثیراتی بر رقابت‌پذیری صادرات چین و تراز پرداخت‌ها در حساب‌های جاری خواهد داشت؟ آیا افزایش زیاد در نقش پول چین با ستراتیژی درازمدت و موفق این کشور برای محافظت محتاطانه از اقتصاد و کمک‌های مالی خود در برابر آشفتگی‌های بین‌المللی در تضاد نیست؟ و آخرین نکته، که اهمیتش کمتر از بقیه نیست، این‌که آیا چین آماده تحمل خشم امریکا علیه هر کسی که به طور جدی

برای جابه‌جایی دالر تلاش می‌کند، هست؟ به دلیل این موارد و برخی ابهامات دیگر، انتظار آن‌که چین به تنهایی رهبری فرآیند دلرزدائی را داشته باشد، بسیار دشوار است.

روسیه به عنوان رئیس گروه بریکس در سال ۲۰۲۴، پیش‌تر روی بررسی سیستم بین‌المللی و ابتکارات احتمالی بریکس در این زمینه کار کرده است. اطلاعات کمی در مورد این‌که تا چه حد بریکس توانسته است تحت رهبری روسیه در سال جاری حرکت کند، وجود دارد. در هر صورت، می‌توان انتظار داشت که روسیه قربانی اصلی دالر به عنوان یک سلاح و نظام مالی غرب بوده است و تمام تلاش خود را برای پیشبرد این دستور کار انجام دهد. امیدوارم، برزیل، رئیس بعدی گروه در سال ۲۰۲۵، ادامه تلاش‌های روسیه را تداوم بخشد.

\*\*\*\*\*

برگرفته از: سرمقاله سایت سه قاره (تری کانتیننتال)

[The BRICS and De-Dollarisation: Opportunities and Challenges \(thetricontinental.org\)](http://thetricontinental.org)